

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۶۰

ایسکرا

Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵ تاشن تماس با ما

۱۰ دی ۱۳۹۳، ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

درباره نفرت پراکنی ناسیونالیستی بر علیه مردم کرد زبان مصاحبه با ناصر اصغری - بخش اول

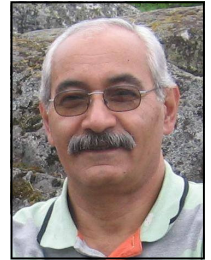


و روستاهای حومه اش، شما جمعیت محسوسی از کرد زبانان نمی دیدید. شهری با جمعیت زیاد که همگی ترک زبان (آذری) بودند
صفحه ۴

خواهم داد، اما اجازه بدهید از بخش آخر سؤال شروع کنیم. کسانی که مسائل آن بخش از کردستان - آذربایجان را دنبال کرده اند از مشاهداتشان می گویند که تنش های بین مردم کرد زبان و ترک زبان در برخی از شهرها و بخصوص در ارومیه نگران کننده است. اینها همه زمینه اجتماعی دارند که بدون پرداختن به آنها صحبت کردن درباره این تنش ها در محدوده حدس و گمان باقی خواهند ماند. قبل از انقلاب ۵۷، در ارومیه

ایسکرا: اخیرا تعدادی تحت عنوان دفاع از آذربایجان در رسانه های اجتماعی نفرت پراکنی وسیعی را بر علیه مردم کرد زبان به راه انداخته اند. حتی با تروریست خواندن آنها خواستار اخراج ایشان از آذربایجان شده اند! ابتدا اگر ممکن است کمی در این باره که اینها می خواهند چه کسانی را از کجا اخراج کنند، توضیح بدهید.
ناصر اصغری: درباره این تحركات بعدا توضیحات لازمی

واکنش محتاطانه هر دو حزب دمکرات و کومه له زحمتکشان به سفر لاریجانی در کردستان عراق



عبدال گلپریان

کردستان برمیگردد مورد اشاره این نوشته نیست بلکه حاشیه این سفر که واکنش احزاب ناسیونالیست کرد مستقر در اردوگاههای کردستان عراق را به همراه داشت مد نظر است. یکی از اعضای این هیئت که اکنون مسئول دفتر علی لاریجانی رئیس مجلس حکومت اسلامی است، تروریست شناخته شده جعفر صحرارودی نام دارد که در جریان ترور قاسملو، ایشان یکی از مجریان و از اعضای باند این ترور بود. هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له زحمتکشان، نه در رابطه با سفر لاریجانی، آمدن این هیئت و

روز جمعه ۲۶ دسامبر هیئتی به سرپرستی علی لاریجانی برای ملاقات با مقامات حکومت اقلیم کردستان ابتدا به سلیمانیه برای دیدار با طالبانی و سپس وارد اربیل شد. مسئله این ملاقات که به روابط جمهوری اسلامی با حکومت اقلیم

صفحه ۲

رژه استقبال از تروریستها! علی لاریجانی جنایتکار در کردستان عراق



نسان نودینیان

و اعتبار بالایی است. در بحرانهای درونی دو سال قبل اتحادیه میهنی کردستان عراق (حزب جلال طالبانی) فعالانه شرکت داشته و نقشه راه احزاب ناسیونالیست کرد توسط این جنایتکار اسلامی تعیین و معماری شده است. دومین حاشیه در همین رابطه گله مندی «مزدوران مجلس نشین

دوم دی ماه علی لاریجانی از بغداد به سلیمانیه و اربیل سفر کرد. سفر این جنایتکار با حواشی های رنگارنگی روبرو شد. همراه علی لاریجانی يك تروریست شناخته شده "محمد جعفر صحرا رودی" قاتل قاسملو حضور داشت. "جعفر صحرا رودی" در درون تشکیلات احزاب کردی دارای نفوذ

صفحه ۳

نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار و رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رمضانعلی

مسئولیت بیماران و حتی کسانی که به دلیل نبود امکانات دچار مشکلات حادث شده اند را بر عهده نمی گیرد. " زندان ارومیه تنها دارای یک پزشک است که او نیز فقط در ساعات اداری و به صورت نیمه وقت در بهداری حضور دارد. این در حالی است که زندان ارومیه یکی از زندانهای بزرگ ایران بوده و

صفحه ۵

بنا به گزارش منابع مطلع، طی مدت گذشته چندین نفر از زندانیان زندان ارومیه به دلیل تزریق غلط آمپول دچار فلجی اعضای بدن خود شده اند. وضعیت درمانی و بهداشتی زندان ارومیه در بحرانی ترین وضعیت بوده و بهداری زندان کمترین توجهی را به زندانیان بیمار نمی کند. " نه بهداری زندان و نه مسئولین زندان ارومیه

وضعیت درمانی و بهداشتی زندان ارومیه در بحرانی ترین وضعیت

رشید نوجوان از اهالی روستای "هاشم آباد" پس از سکنه مغزی در زندان مرکزی ارومیه جان سپرده است.

برخی از زندانیان اینگونه مرگها را ناشی از نبود امکانات اورژانسی در مواقع ضروری تلقی می کنند.

صفحه ۶

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: پدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com



لاریجانی جلاد در حالی از حکومت اقلیم دیدار و بازدید می کنند و علیه داعش شاخه و شانه می کشند که خود در طول عمر ننگین حکومتشان صدها برابر داعش امروز در ایران جنایت کرده اند. حکومت اقلیم و مسعود بارزانی به خوبی با کارنامه سیاه حکومت اسلامی چه در ایران و چه در عراق آشنائی دارند، اینها در جریان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان ارومیه بودند، اینها از دهها زندانی سیاسی محکوم به اعدام در شهرهای کردستان توسط رژیم اسلامی اطلاع دارند، اما ترجیح می دهند بخاطر منافع

سفر علی لاریجانی رئیس مجلس رژیم اسلامی به اربیل!
روز ۲۶ دسامبر علی لاریجانی به همراه هیئتی از مجلس شورای اسلامی وارد شهر اربیل می شوند و از طرف مقامات حکومت اقلیم از جمله مسعود بارزانی مورد استقبال قرار می گیرند. بارزانی در دیدار با لاریجانی از حکومت اسلامی بخاطر کمکشان در جنگ با داعش تشکر و قدردانی کرده و از طرف دیگر رئیس مجلس داعشیان ایران هم قول داده که تا پایان مبارزه با داعش همکار اقلیم کردستان باشند. لازم به ذکر است که سران مفت خور حکومت اسلامی و از جمله

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

واکنش محتاطانه هر دو حزب دمکرات...



اهداف و انگیزه آن به کردستان عراق، بلکه در رابطه با حضور همین مجری ترور یعنی صحرارودی از خود واکنش محتاطانه‌ای نشان داده اند. لازم به ذکر است که این اولین بار نیست که صحرارودی به کردستان عراق در آمد و رفت بوده است. او قبلاً هم سفرهایی به کردستان عراق و ملاقات با مسئولین حکومت اقلیم داشته است. بگفته محمود عثمان دبیر حزب سوسیالیست کردستان عراق گویا قبلاً قرار بوده که صحرارودی بعنوان طرف مذاکره کننده با احزاب اپوزیسیون ناسیونالیست کردستان ایران و همچنین عضو شرکت کننده در "کنگره ملی کرد" در این کنگره حضور داشته باشد.

رهبان این سه جریان اعلام کرده اند که حضور علی لاریجانی و یا هر مقام دیگر حکومت اسلامی در کردستان عراق از نظر آنان امری عادی و بلا مانع است اما حضور جعفر صحرارودی بعنوان یکی از اعضای شرکت کننده در ترور قاسملو به کردستان عراق برایشان خوشایند نیست و حضور او را بعنوان توهین به خود قلمداد کرده اند.

تا جاییکه به افرادی چون جعفر صحرارودی و اعضای تیم ترور جمهوری اسلامی برمیگردد قطعاً باید این افراد از سوی پلیس اینترنل دستگیر و محاکمه شوند اما شرکت او بعنوان هیئت همراه لاریجانی و واکنش سطحی جریانات ناسیونالیست کرد که دست اندکاران و طراحان اصلی ترور در میان مقامات بالای جمهوری اسلامی را از نگاه افکار عمومی مردم کردستان دور نگه می دارند بسیار جالب توجه است.

فعالان علیه گرانی نان و دیگر مایحتاج زندگی اعتراض کنید!

و باز دیدها با مسئولین حکومت اسلامی را تایید کرده بود. پیشتر هم این احزاب حتی به حضور نمایندگان رژیم اسلامی در "کنگره ملی کرد" (که متولد نشده از دنیا رفت) کوچکترین اعتراضی نداشتند که گویا قرار بود یکی از اعضای هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در این کنگره جعفر صحرارودی باشد.

اما ژست گرفتن این سه جریان در واکنش به حضور صحرارودی در این سفر قبل از هر چیز ریختن آب پاک بر روی دستان خونین آمران و طراحان اصلی ترور قاسملو و ترور دیگر شخصیت‌های سیاسی در خارج کشور است. این جریانات در خدمت به افق و اهداف به بن بست رسیده خود ظاهراً دارند "عاقلاته" موضع می گیرند. می دانند که باید حواشاشان باشد مبادا جمهوری اسلامی و حکومت اقلیم کردستان را از خود برنجانند.

تا جاییکه به جمهوری اسلامی برمیگردد قطعاً فرستادن کسی چون جعفر صحرارودی به همراه چنین هیئتی، نشان دادن ضرب شصت از موضع بالا و تحقیر احزاب ناسیونالیست کرد است.

برای مردم شهرهای کردستان ایران اما داستان کاملاً برعکس واکنش این احزاب به حضور یک تروریست در کردستان عراق است. مردم کردستان ایران ابتدا سردمداران و مقامات بالای حکومت را بعنوان بانیان و دستوردهندگان و سازمندیگان تیم ها و شبکه های ترور که امثال صحرارودی از اعضای آن هستند می شناسند. آمرین و طراحان ترور قاسملو و دهها فعال و شخصیت سیاسی در داخل و خارج کشور کسانی بوده و هستند که سکان قدرت را در نهادهای مختلف حکومت از مجلس، قوه قضاییه و دولت گرفته تا سران سپاه و اطلاعات جمهوری اسلامی را در دست دارند. مهره های اصلی و طراحان ترورهای مختلف در نظام جمهوری اسلامی، مدام و خیلی راحت در رفت و آمد به اربیل، سلیمانیه و بغداد هستند. اگر قرار است تروریسم اسلامی در قامت کاربدستان اصلی جمهوری اسلامی را به افکار عمومی و جهانیان

زنده باد اعتراض کارگران معدن طلای آق دره! کارگران معدن طلای آق دره در اعتراض به اخراج ۳۵۰ نفر از همکارانشان تجمع کردند!

به اندازه کافی به جان و زندگی و سلامتی شما کارگران تعرض کرده اند. باید از هر گونه آزار رساندن به خود دوری کنیم. کارفرمایان و حکومتشان تماماً تلاش میکنند شما کارگران را از مبارزه و ساختمان نگهبانی معدن دست به اعتراض زدن. در این تجمع کارگران "تعدیل شده" و شاغل در کنار هم شرکت داشتند.

دولت و کارفرما در این معدن وحشیانه ترین و طاقت فرساترین شرایط کار را به کارگران تحمیل کرده اند. کارفرما با بی شرمی تمام شرایط کار کارگران را تا حد کارگر فصلی تنزل داده و این یعنی برده وار ترین وضعیت کار در معدن! در این معدن که پیش از "تعدیل" یعنی همان اخراج ۵۵۰ کارگر داشت، اگرچه شرایط کار طاقت فرسا است اما کارگران بعضاً حتی ناگزیر هستند ۱۲۰ ساعت در ماه اضافه کاری کنند. سه تن از کارگران این معدن به خاطر شرایط سخت کار و بی اعتنائی کارفرما و دولت به وضعیتشان اقدام به خودکشی کرده اند که به علت اقدام بموقع همکارانشان خوشبختانه نجات پیدا کرده اند.

کارگران باید برای پایان دادن به چنین شرایط برده وار، تجمع اعتراضی و متحدانه خود را ادامه دهند. اتحاد کارگران شاغل و اخراجی و حضور خانواده های کارگری صف اعتراض کارگران را قدرتمندتر میکند. باید تجربه کارگران معدن سنگ آهن بافق را سرمشق خود قرار داد که با حضور خانواده ها برای آزادی کارگران بازداشتی مبارزه موفقی را پیش بردند.

روشن است که سه کارگر این معدن زیر فشار کار سخت و بی حقوقی و بی اعتنائی دولت و کارفرما به خودکشی اقدام کرده اند اما کارفرمایان و حکومتشان

شناساند باید بجای لاس زدن و مصالحه با آنان، بیش از پیش رسوایشان کرد. صدها نفر همچون صحرارودی عناصر سرسپرده و دست چندی هستند که فرمان

مقاماتی چون امثال لاریجانی ها و دیگر سران و مسئولین بالا و اصلی حکومت اسلامی را جنایتکارانه به اجرا درمی آورند.

۳۰ دسامبر ۲۰۱۴

زنده باد مبارزه متحدانه کارگران معدن آق دره
کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دی ماه ۱۳۹۳

۳۰ دسامبر ۲۰۱۴

از صفحه ۱ رژه استقبال از تروریستها..



استقبال ارتجاع از قاتلها چگونه توجیه میشود؟

تراژدی بیکار سازی و خودکشی کارگران در معدن طلای آق دره!

نسان نوینان

بیکار سازی وسیع در معدن بشکل گسترده ای ادامه دارد. کارگران معدن سنگ و طلا و ذغال دسته دسته بیکار میشوند. سرنوشت آنها با خانواده هایشان تراژدی مرگ، خودکشی و رفتن به عمق دره فقر مطلق را رقم میزند. بیکار سازی در معدن طلای آق دره اینبار با خودکشی سه نفر از کارگران رقم زده شد. جزئیات اقدام بخودکشی را در ادامه خواهیم آورد.

سخنی با کارگران معدن طلای آق در! بیکار سازی در نظام جمهوری اسلامی بریژه در معدن بشکل گسترده و پرادامنه ای ادامه دارد. بیکار سازی معدن طلای آق دره اولین مورد نیست و آخرین مورد هم نخواهد بود. کارگران معدن در مقابله با بیکار سازی راه حلهای اعتراضی موفق و تعرضی را تجربه کرده اند. در معدن بافق علییه بیکار سازی، کارگران و خانواده هایشان با بدست گرفتن اعتراض در شکل اعتصاب علیه اقدامات دولت و کارفرما، ایستادند. اعتصاب در معدن و پیوستن خانواده های کارگران، اعتراض به بیکار سازی را در موقعیت قدرتمند و تعرضی قرار داد. با آوردن نیروهای نظامی نتوانستند اعتصاب کارگران را درهم بشکنند. در یک کلام اعتصاب و حمایت صدها نفر از خانواده های کارگران معدن بافق، دولت و کارفرما و نیروهای امنیتی، نظامی شهر بافق را در موضع دفاعی قرار دادند و با این اعتصابات و حمایتهای خانواده هایشان به بخشهایی مهم از خواست و مطالباتش رسیدند. راه حل بیش از دوست و پنجاه نفر از کارگران معدن طلای آق دره الگوی اعتراضی کارگران بافق است.

دولت و وزارت کار و کارفرماها با اقدام بخودکشی عقب نشینی نمیکند. خودکشی بدترین شیوه اعتراض ممکن کارگران است. خودکشی اقدام فردی و خشم فردی کارگر را منعکس میکند. بیان

خشم و عصبانیت به این شکل مناسب نیست. دست دولت و کارفرما را برای توطئه و پرونده سازی را باز میکند. اما، تلاش برای متحد کردن ۲۵۰ کارگر بیکار شده و جلب حمایت صدها نفر از خانواده های آنها ابزار موثر، کارساز و تعرضی کارگران اخراجی معدن طلای آق دره است. اعتراض به بیکار سازی در معدن طلای آق دره ادامه خواهد داشت. دولت و کارفرما عقب نشینی نکرده اند. تلاش کارگران معدن طلای آق دره به سازماندهی اعتصاب در محل معدن، حمایت وسیع خانواده های آنها و سایر کارگران در معدن طلای آق دره امری عملی است. مجمع عمومی کارگران و خانواده هایشان ابزار ساده اتحاد کارگران است. دولت موظف است هزینه درمان و خسارت وارد شده به جسم کارگران معترض را پرداخت کند.

اقدام به خودکشی سه کارگر بیکار شده معدن طلای آق دره - تشریح جزئیات این خودکشی!

در پی انتشار خبر اقدام به خودکشی سه نفر از کارگران اخراجی معدن طلای آق دره، یکی از این سه کارگر به تشریح جزئیات این حادثه پرداخت. او که در حال حاضر در بیمارستان شهدای تکاب بستری است گفت: صبح دیروز من و تعدادی از کارگران اخراجی در اعتراض به از دست دادن شغلمان در محوطه معدن تجمع کردیم که به دلیل بی اعتنایی کارفرما این تجمع تا حوالی ساعت ۸ شب به طول انجامید. با مشاهده این وضعیت در یک لحظه تصمیم گرفتیم که به زندگی خود خاتمه دهیم برای همین یک تکه شیشه را برداشته و به شکم خود فرو کردیم از اتفاقات بعدی چیزی در ذهنم نیست و زمانی هوشیاری خود را بدست آورم که در بیمارستان بستری بودم. او گفت: به من گفته شده است که به دلیل شدت جراحت وارده همان دیشب در بیمارستان از ناحیه شکم مورد عمل جراحی قرار گرفته‌ام. چند سالی است که در این معدن با حداقل حقوق بصورت فصلی مشغول کارم اما هیچگاه احساس امنیت شغلی نکردم و این موضوع که هر لحظه امکان اخراج شدن وجود دارد نه تنها من بلکه سایر کارگران را آزار می‌داد. در

باید در مقابل تهدید کارفرما و دولت علیه کارگران ایستاد!

۱۱ کارگر معدن طلای آق دره به دادگاه احضار شدند!



موضوع بیکاری خود معترضاند.

همه این کارگران که صبح امروز احضار شده بودند بعد از ظهر با قید وثیقه آزاد شده اند!

کارگران و مردم شریف شهرستان تکاب،

از دادگاه و دستگاه قضایی حکومت اسلامی جز این انتظار

نمیرود. اینها پاسداران منافع کارفرمایان هستند. اینها آنقدر بیشم و بیرحم هستند که حتی کارگر بستری در بیمارستان را هم به دادگاه احضار میکنند!

احضار ۱۱ کارگر و آزادی آنها به قید وثیقه نشان میدهد که کارفرمایان و دولتشان از اعتراض قدرتمند شما هراس دارند. در عین حال با تحمیل وثیقه بر گردن بخشی از کارگران میخواهند مانع ادامه اعتراض شما شوند.

۱۱ نفر از شما را به اتهام "اغتشاش" احضار کرده اند اما

صفحه ۴

۱۱ کارگر معدن طلای آق دره در آذربایجان غربی با شکایت کارفرما و به اتهام اغتشاش از طرف دادگاه عمومی تکاب احضار شده اند!

اسامی این کارگران به قرار زیر است: یوسف کاووسی، عباس

آذر، محمد خسروی، منصور دخی، خلیل عظیمی، فاتح رحیمی،

ایوب مولودی، رضا بهاری، رضا یوسفی، عابد رحمانی و عطاء اله صبوری. اینها همه از کارگران فصلی بیکار شده این معدن هستند. یکی از احضار شدگان پدر کارگری است که اقدام به خودکشی کرده بود و هنوز هم در بیمارستان بستری است.

یکی از کارگران احضار شده هنگام خروج از دادگاه اعلام کرد: "کارفرمای معدن طلای آق دره در حالی یازده نفر از کارگران را به

اتهام ایجاد اغتشاش به دادگاه معرفی کرده است که تمامی ۳۵۰

کارگر فصلی این معدن به

لحظه حادثه احساس کردم وضعیت شغلی و سرنوشت خانواده من و سایر همکاران اخراج شده برای کسی مهم نیست و برای همین تصمیم گرفتیم که به زندگی خود خاتمه دهیم. این کارگر اخراجی معدن آق دره همچنین گفت: شنیدم برخی مسئولان اقدام به خودکشی من را تکذیب می‌کنند و می‌گویند که حادثه دیشب نتیجه مشکلات روحی و روانی من بوده است که از قبل داشته‌ام اما باید بگویم که اینطور نیست، من هیچ سابقه روانی ندارم و چنین ادعایی کذب است. کارگران این معدن با حداکثر کار حداقل حقوق (پایه

حقوق) را می‌گیرند و هیچ گونه مزایای دیگری به آنها پرداخت نمی‌شود. این کارگر اخراجی افزود: برای فردی مانند من که با یک فرزند کوچک ساکن یک روستای دور افتاده و بدون امکانات است، از دست دادن شغل و محل درآمد به معنی گرسنگی اعضای خانواده است. وی ادامه داد: پیش از این حدود ۵ سال از سر ناچاری به تهران رفته بودم و برای تامین معاش خانواده‌ام در یکی از شهرداری‌های بکار خدماتی مشغول بودم، وقتی به استخدام معدن درآمد همه دلخوشی من این بود که در کنار خانواده‌ام هستم. *

از صفحه ۱ درباره نفرت پراکنی ...

و تعداد معدودی هم آسوری و آرامنه را در خود داشت. منتها ارومیه مرکز تجارت روستاهای دور و بر و روستاهای نوار مرزی ایران - ترکیه است که بیش از ۸۰ درصد جمعیت این روستاها کرد زبان بودند.

اصلاحات ارضی انقلاب سفید و یا همان "انقلاب شاه و مردم" در دهه ۴۰ سسی ساختار ارباب رعیتی در شمال کردستان ایران را مثل دیگر جاهای ایران در هم شکست. این هم دلایل سیاسی خاص خود را داشت. ارتش و دم و دستگاه شاه قادر نبود با شورش‌های انقلابیون چریک کرد به راحتی درافتد. اما ساختار عشیره‌ای منطقه کردنشین ارومیه این امکان را به حکومت پهلوی می داد که با استفاده از قدرت منطقه‌ای اربابها راحت آن چریکها را ایزوله و سرکوب کند. شمال کردستان ایران همچنین با کردستان ترکیه و کردستان عراق نیز هم مرز است. نه تنها برای در هم شکستن جنب و جوش چریکهای انقلابی کرد در خود کردستان ایران به عشایر احتیاج داشت - که قدرت بسیج بسیار بالائی داشتند، تا حکومت پهلوی از یک شباتی در آن منطقه برخوردار باشد، بلکه همین عشایر به حکومت پهلوی و ساواکش کمک می کردند که رفت و آمد مخالفین رژیم شاه از مرز ایران - ترکیه را هم به دقت کنترل کنند. از ورود شورشیان کرد کردستان ترکیه به این طرف مرز جلوگیری کنند. کمک کنند شورش و اعتراض کرد زبانان کردستان عراق به ایران و

کردستان ایران سرایت نکنند. با در هم شکستن ساختار ارباب رعیتی در آن بخش از کردستان، رژیم شاه باید همه این مسئولیتها را اکنون بر عهده ارتش و ژاندارملی بگذارد که بخاطر جغرافیای صعب العبور آن منطقه برایش بسیار گران و شاید بهتر است گفته شود غیر ممکن می بود.

اما زمانی که اصلاحات ارضی ساختار ارباب رعیتی در ایران را در هم شکست، شهرهای بزرگ مثل ارومیه شاهد هجوم صدها هزار نفره روستائیان بودند که از قید و بند ارباب و رعیتی آزاد می شدند. ترکیب جمعیت در همه شهرها یکسره عوض می شد. برای نمونه بخش وسیعی از مذهبیونی که به دنبال آخوند جماعت در انقلاب ۵۷ راه می افتادند و پای نوحه و روضه خوانی های آنها بودند، همین تازه به شهرها رفته‌های بعد از اصلاحات ارضی بودند.

ارومیه، تا جائی که به کرد زبانان روستاهای این شهر برمی گشت، شاهد این عوض شدن ترکیب جمعیت نبود. روستائیان مهاجر بعد از اصلاحات ارزی به ارومیه را جمعیت روستاهای ترک زبان و آرامنه و آسوریان تشکیل می دادند. اما انقلاب ۵۷ بعد از حدود ۱ دهه و نیم وقفه، وظیفه اصلی اصلاحات ارضی را که در هم شکستن ساختار ارباب رعیتی و مهاجرت میلیونی رستائیان به شهرها برای فراهم آوردن نیروی کار

جدید و کافی برای کارخانجات و شیوه جدید تولید بود، در آن بخش از کردستان را هم شروع و سرعت بخشید. ترکیب جمعیت شهر ارومیه و حاشیه نشینانش کاملاً عوض شد و می شود گفت که ارومیه در عرض یکی دو سال شاهد جمعیتی ۳۰ درصدی از کرد زبان بود. ملاحظنی، که معرف حضور همه خوانندگان این نوشته است، در نماز جمعه هایش می گفت که کردها در چند سال اخیر شهر ارومیه را محاصره کرده اند. به مرور زمان این ۳۰ درصد، پایگاهی برای بقیه فامیل‌های دیگر شد که اکنون می توان گفت جمعیت شهر ارومیه با احتساب حاشیه نشینانش به بالای ۵۰ درصد هم می رسد. اینجا می شود به مسائل زیاد دیگری اشاره کرد که هم این مصاحبه را طولانی می کند و هم ربط چندانی به بحث حاضر ندارد؛ اما باید به چرائی ایجاد تنش بین کرد زبان و ترک زبان، تا آنجا که در چهارچوب این تغییر ترکیب جمعیت می گنجد، اشاره کنم.

جمعیت بیش از ۵۰ درصد از شهری به بزرگی ارومیه هیچوقت نتوانست از لحاظ اشتغال در مراکز ثبت آمار به درست ثبت شود. بخش بسیار زیادی از این جمعیت، گرچه در شهر ارومیه و حاشیه آن زندگی می کنند، اما هنوز از لحاظ تأمین درآمد به محصولات و درآمد زمین‌های ناچیزشان در روستاهای دور دست تر وابسته هستند. این درآمد ابد کفاف گذارن زندگی شان را نمی دهد. بخش وسیعی از این جمعیت به کارهای کاذب و بعضاً

بسیار خطرناک روی می آورند. قاچاق اجناس از ترکیه به ایران و بالعکس. کار در مزارع با ساعات کار طولانی و دستمزد بسیار پائین. قاچاق و خرده فروشی مواد مخدر؛ طوری که ارومیه و آذربایجان غربی شامل بیشترین آمار اعدامی ها در ایران است که بیش از ۹۵ درصد از این اعدامی ها کسانی هستند که در حین خرید و فروش چند گرم مواد مخدر دستگیر شده اند.

در عین حال کمتر کرد زبانی را در ادارات دولتی می توان شاغل دید. کارها به "کارهایی که کرد زبانان انجام می دهند" و "کارهایی که ترک زبانان انجام می دهند"، تقسیم شده اند. ظاهراً کارهای غیرقانونی، کاذب و "غیرمحرمانه" بر دوش کرد زبانان است و کارهای "محرمانه" و قانونی و کار در ادارات دولتی و با بیمه بازنشستگی (حال بیمه ها در جمهوری اسلامی چه هستند فعلاً بماند) بر دوش ترک زبانان است.

در نبود یک افق روشن و راه نشان دهنده، مردم ترک زبان تحت تأثیر تبلیغات تفرقه افکنانه و ضدبشری دار و دسته های مختلف اسلامی که سرخ همه اینها در دست سپاه پاسداران و جانوران وحشی ای مثل ملاحسنی است، که به نظر من گاهی به اشتباه به آنها ناسیونالیست ترک هم گفته ایم، باعث و بانی مشکلات خود را همین کرد زبانانی می دانند که گفتم از طریق غیررسمی امرار معاش می کنند.

این را دیگر هر کسی که اهل فکر کردن و تعمق در مسائل

اجتماعی است می داند که نه تنها در ارومیه و دیگر جاهای ایران، بلکه در هر جای دیگر جهان هم فقط "افراد خاصی" به صدر اخبار رسانه ها می روند و ژورنالیسم "باشرف" هم با این نوع نمونه برداری، مهندسی افکار می کند.

در نبود یک آلترناتیوی که نشان بدهد بانی فقر در بین ترک زبانان نه کرد زبانان هستند، بلکه در مورد مشخص جمهوری اسلامی همین حکومت بانی تمام بدبختی ها در این کشور است، واضح است که کسی که امکانات رسانه ای دارد می تواند به ایجاد شرایط نامانی دامن بزند و زمینه و اسباب کشت و کشتار را فراهم کند. همین دار و دسته های آدمکش که گفتم افسارشان دست ملاحسنی و دیگر آدمکشان جمهوری اسلامی است، ظاهراً در فضای مجازی از تسویه آذربایجان و بخصوص ارومیه از کرد زبانان می گویند. (همینجا خواننده این نوشته را به مصاحبه محسن ابراهیمی که در شماره ۵۸۸ نشریه "انترناسیونال" تحت عنوان "در مقابل نفرت پراکنی ناسیونالیستی باید ایستاد!" که در همین رابطه نوشته شده است و حاوی اطلاعات مهمی است، رجوع می دهم.)

با این توضیحات فکر کنم به اندازه کافی روشن شده باشد که چه کسانی می خواهند چه کسانی را از جانی اخراج کنند.

ادامه دارد

صفحه ۳ باید در مقابل تهدید کارفرما و دولت ...

همانطور که همکار شما علنا اعلام کرده است این اعتراض بحق شما مربوط به همه ۳۵۰ کارگر است. مربوط به همه کارگران دیگر است که الان شاغلند اما هیچگونه تضمینی برای ادامه کارشان ندارند. این اعتراض حتی مربوط به همه کارگرانی است که در دهها معدن و کارخانه های دیگر به طور فصلی و بدون قرارداد دائم کار میکنند و سایه شوم بیکاری همیشه بالای سرشان آویزان است. باید از همان اول در مقابل توطئه کارفرما و دولتشان برای

هم از همه خانواده ها و همه اهالی شهر و حومه بخواهید که از اعتراض بحق شما حمایت کنند.

همبستگی کارگران بیکار شده و شاغل، همبستگی خانواده ها و مردم شریف شهر و حومه با خواست حق طلبانه شما کارگران معدن تنها راه عقب راندن کارفرما و دولتشان است.

زنده باید مبارزه برحق کارگران معدن آق دره

کمیته آذربایجان

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ دی ۱۳۹۳

۳۰ دسامبر ۲۰۱۴

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گوشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتون یاد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده یاد سوسیالیسم

زنده یاد حزب کمونیست کارگری!



نگاه هفته:
مجموعه ای از اخبار
و رویدادهای هفته
در شهرهای کردستان
نسرین رمضانلی - نمان نودیمان

از صفحه ۱

قریب به پنج هزار زندانی در آن نگهداری می‌شوند. (منبع سایت کردپا)

اعدام ۷ نفر در زندان ارومیه

ادی: در زندان ارومیه هفت نفر اعدام شدند. اعدامیها از اهالی شهرستانهای کرمانشاه، سنندج و شیراز بوده‌اند.

اعتصاب غذا

محمدامین آگوشی معلم بازنشسته (داری ۵ فرزند از شهر پیرانشهر) از یک هفته گذشته اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به عدم درمان و تشدید فشارهای روحی - جسمی، کرده است. محمدامین آگوشی هم‌اکنون در سلول انفرادی بند قرنطینه زندان مرکزی زاهدان نگهداری می‌شود. محمدامین آگوشی دارای ۵۴ سال سن است و از بیماری کلیوی به شدت رنج می‌برد و تاکنون بارها دست به اعتصاب زده. وی خواستار؛ درمان در یکی از بیمارستان‌های خارج از زندان و یا اعطای مرخصی استعلاجی و پایان فشارها و اذیت و آزارها می‌باشد. محمدامین آگوشی یکم فروردین‌ماه ۸۶ از سوی مأموران حفاظت اطلاعات سپاه استان آذربایجان‌غربی در پیرانشهر و به اتهام ارتباط با اقلیم کردستان - عراق بازداشت و مدت ۸ ماه را در سلول انفرادی در ارومیه گذرانده است. حکم دادگاه بدوی اعدام بود اما بعدها حکم محمدامین آگوشی به ۱۰ سال حبس و تبعید به زندان زاهدان کاهش یافت.

یک سال زندانی تعزیری

دادگاه انقلاب میروان برای یکی از این دانشجویان به نام فرهاد شفیع‌زاده ۲۸ ساله فرزند محمد حکم یک سال زندانی تعزیری صادر کرد. وی بیستم شهریورماه امسال در میروان به اتهام "اخلال در نظم و انتقاد از شخصیت‌های

کارگران آزادی ریویوار عبداللہی از زندان

طبق گزارش رسیده، روز دوشنبه ۱۰/۹۳/۸ ریویوار عبداللہی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بعد از تحمل بیست روز بازداشت در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر سنندج با تودیع وثیقه پنجاه میلیون تومانی آزاد شد. در این ارتباط تعداد کثیری از کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج در یک فضای صمیمی، و با کف زدن های ممتد و خواندن سرود انترناسیونال (سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر)، به استقبال وی رفتند. کمیته هماهنگی ضمن شادباش به خانواده ی ریویوار عبداللہی و تمامی کارگران و فعالین کارگری و تمامی انسان هایی که دل در گرو رهایی طبقه کارگر از قید مناسبات موجود دارند، خواهان آزادی بی قید و شرط فردین میرکی، فرزند مرادی نیا و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد.

آخرین وضعیت اعضای بازداشت شده کمیته هماهنگی در سنندج

بنا به گزارش رسیده، روز چهارشنبه ۱۰/۹۳/۳، خانواده های اعضای بازداشت شده کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (فردین میرکی، فرزند مرادی نیا و ریویوار عبداللہی)، در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع نموده، و خواهان روشن شدن هر چه سریعتر وضعیت فرزندان خود شدند. در مقابل، مسئولین و کارگزاران ستاد خبری اداره اطلاعات، با دادن وعده تسریع روند بازجویی و تکمیل پرونده آنان، جهت ارجاع به مراجع قضایی در هفته آینده، از خود سلب مسئولیت نموده، و عملاً این عزیزان را مستوجب دادگاهی دانستند. همچنین این فعالین کارگری در همان روز طی تماس های تلفنی بسیار کوتاهی که با خانواده های خود داشتند، از وضعیت نامشخص و شرایط نامناسب خود خبر داده و خواستار پیگیری جدی خانواده های خود از مراجع مربوطه شدند. شایان ذکر است که فرزند مرادی نیا در این تماس تلفنی از وضعیت نامناسب

جسمی خود خبر داده و بیماری خود را در شرایطی بسیار بحرانی اعلام نموده بود. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکوم نمودن ادامه بازداشت این عزیزان، خواستار آزادی بدون قید و شرط آنان در اسرع وقت می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

دیدار کارگران و فعالین کارگری از خانواده ی بازداشت شدگان کمیته هماهنگی

بر اساس گزارش رسیده، روز سه شنبه ۱۰/۹۳/۲ جمع کثیری از کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، طی یک دیدار از خانواده های ریویوار عبداللہی و فرزند مرادی نیا، حمایت بی دریغ خود را از این عزیزان ابراز نموده، و بار دیگر بر حقانیت فعالیت های آنان و تمامی مواضع جنیش کارگری تأکید ورزیدند، و خواستار حمایت توده کارگران از مواضع فعالین و تشکل های کارگری، در رهایی از تمامی اشکال ستم طبقاتی شدند. در پایان حاضرین ضمن تقبیح تعرض های اخیر نیروهای امنیتی به صفوف فعالین کارگری و دیگر عرصه های اجتماعی، و محکوم نمودن بازداشت اعضای کمیته هماهنگی فردین میرکی، فرزند مرادی نیا و ریویوار عبداللہی، خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری دربند شدند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

باز هم مرگ یک کارگر!

طبق گزارشات دریافتی روزچهارشنبه سوم دیماه یکی از اهالی روستای مرخز از توابع شهرستان سقز به نام عارف ابراهیم نژاد که جهت حفر چاه به داخل چاه رفته و از طریق پمپ آب (کف کش) مشغول تخلیه آب جهت خاک برداری و تعمیق بیش تر چاه بود در اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داد. عارف ابراهیم نژاد ۳۵ ساله وداری دو فرزند بود. همه روزه ما شاهد مرگ دلخراش کارگرانی هستیم که به دلیل بیکاری و نداشتن کار، با حد اقل امکانات جهت تامین معاش خود و خانواده خود بالاچار تن به شرایط سخت و غیرایمن کار می

دهند و چه بسا که خبر مرگ بسیاری از آنها هرگز به گوش کسی نرسد و کسی هم از مرگ آنان مطلع نشود. بدیهی است تا زمانی که کارگران از تشکل های مستقل خود برخوردار نباشند مسئله نظارت بر تامین وسایل ایمنی کارگران هنگام کار محقق نخواهد شد. کمیته هماهنگی مرگ این کارگر زحمتکش را که نشان دهنده گوشه ای از بی حقوقی کارگران در نظام سرمایه داری می باشد، به خانواده و دوستان وی تسلیم می گوید. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخراج و بیکار سازی در معدن طلای آق دره

ادی: ۴۰ نفر از کارگران تبدیلی که همگی از روستای آق دره علیا بودند نسبت به تعدیل نیروهای فصلی اعتراض و خواستار بکارگیری مجدد شدند. کارگران اخراجی بیش از ۲۵۰ نفر میباشند. در جریان اعتراض سه نفر از کارگران معترض اقدام بخودکشی میکنند. شرکت "پویا زرکان" آق دره بزرگترین شرکت استخراج کننده و فرآوری طلا از سنگ معدنی آن در ایران وابسته به سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران است که در ۲۵ کیلومتری شهرستان تکاب قرار دارد. تاخیر در پرداخت دستمزدها، نبود مزایای شغلی و اضافه کاری از دیگر موارد اعتراض کارگران می باشد که طی چند سال اخیر و بر اثر "تعدیل" کاری های کارفرما، آمار کارگران از ۵۵۰ نفر به ۱۸۰ کارگر کاهش یافته که ۲۹ نفر از آن ها را نگهبان شامل می شوند. گفته می شود که کارگران اخراجی دارای سوابق کاری یک ساله تا ۵ ساله هستند.

مرگ کارگر کولبر

آزاد اطمانی ۳۰ ساله بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی شهرستان سلماس در پاسگاه مرزی روستای "بروش خواران" از توابع بخش کوهسار جان خود را از دست داد. وی به هنگام نزدیک شدن به خطوط مرزی ایران- ترکیه به صورت مستقیم مورد شلیک گلوله قرار گرفت. *

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱

اخبار هفتگی از رویدادهای ...

حقیرشان سکوت کنند و تنها به تمجید حکومتی بپردازند که کارنامه ای سراسر جنایت و وحشیگری را پشت سر خود دارد. بده بستان و تمجید امروز ناسیونالیستهای حاکم بر اقلیم کردستان به رژیم اسلامی باید مورد تنفر هر انسان شریف و آزاده ای قرار گیرد.

دستگیری عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی به جرم ترور!

روز یکشنبه ۲۸ دسامبر محمود سنگاوی عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی و از فرماندهان نیروی نظامی اقلیم کردستان به جرم دست داشتن در ترور روزنامه نگار کاوه گرمیانی برای بار دوم به دادگاه فراخوانده شده و اینبار رئیس دادگاه دستور بازداشت این عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی را تا دادگاه بعد صادر کرد. لازم به ذکر است که گویا چون سنگاوی مقام نظامی بالائی دارد بر اساس قوانین اقلیم کردستان او را روانه بازداشتگاهی در یکی از مقررات فرماندهی نیروهای پیشمرگه کرده اند و قرار است آنجا تا برگزاری دادگاه بعد در بازداشت بماند. لازم به ذکر است که تا هم اکنون دهها نفر از فعالان سیاسی، کمونیستها و مخالفین دزدی و چپاول احزاب حاکم بر اقلیم کردستان توسط نیروهای ترور این احزاب ترور شده اند که کاوه گرمیانی تنها یکی از آنهاست. کاوه روز پنجم دسامبر سال ۲۰۱۳ در مقابل خانه پدرش توسط چند مرد مسلح ترور شد و از آنزمان تاکنون خانواده و دوستان کاوه محمود سنگاوی را مسئول این ترور می دانند، چرا که نامبرده قبلاً بارها روزنامه نگاران و از جمله کاوه گرمیانی را به حذف فیزیکی تهدید کرده بود.

تجاوز به چهار زن در یکی از بازداشتگاههای شهر اربیل!

بنا به گزارشی روز ۲۸ دسامبر مسئول بازداشتگاه زنان و نوجوانان شهر اربیل به جرم تجاوز به چهار زن زندانی این بازداشتگاه دستگیر و روانه دادگاه شد. این خبر بدون ذکر اسم فرد دستگیر شده بازتاب وسیعی

در رسانه ها یافت و در همین رابطه محمود هاویدیانی وزیر امور اجتماعی حکومت اقلیم کردستان هم طی اطلاعیه ای، دستگیری این مسئول حکومتی را تأیید کرده و اعلام داشته که هیتی را به منظور تحقیق و بررسی این مسئله تشکیل داده و قرار است جزئیات این مسئله را بررسی کنند. لازم به ذکر است که بازداشتگاهها و زندانهای حکومت اقلیم کردستان در ۲۴ سال گذشته محلی برای، شکنجه، تجاوز و آذیت و آزار همه کسانی بوده که به هر دلیلی توسط نیروهای امنیت احزاب ناسیونالیست حاکم بازداشت شده اند. مردم و بویژه کسانی که از نزدیک شاهد شکنجه و آزار و آذیت زندانیان حکومت اقلیم بوده اند، اوضاع زندانهای حکومت اقلیم را بسیار اسفناکتر از زندانهای دوران حکومت بعث عراق توصیف می کنند.

۱۸ نفر از مردم ایزدی اسیر دست داعش نجات یافتند!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۲۷ دسامبر ۱۸ نفر از مردم ایزدی شنگال که از ابتدای اشغال شنگال توسط داعش اسیر شده بودند با طی کردن ۱۲ کیلومتر راه، خود را از دست داعش نجات دادند. گفته می شود در میان این افراد چند زن و کودک نیز وجود دارد و اینها هم اکنون خود را به نیروهای اقلیم در اطراف شنگال رسانده اند. لازم به ذکر است که جانین داعش از ابتدای حمله خود به عراق و شنگال صدها نفر از زنان را اسیر و با خود بردند آنها را بعنوان بردگان جنسی مورد فروش و تجاوز قرار دادند. چندی پیش پخش زنگنه رئیس انجمن زنان اقلیم کردستان اعلام کرده بود که هنوز بیش از ۵۰۰ زن در دست داعش اسیرند.

لغو قرار خرید اتومبیل برای نمایندگان پارلمان!

نمایندگان پارلمان حکومت اقلیم طی قرار تصویب کرده بودند که برای هر یک از نمایندگان پارلمان اتومبیلی خریداری شود. اما این

قرار که مردم اقلیم کردستان را بشدت عصبانی کرده بود در جلسه فراکسیونهای روز ۲۸ دسامبر پارلمان ملغی و از خرید آن چشم پوشی شد. در همین رابطه بی کرد طالبانی رئیس فراکسیون سبز که متعلق به اتحادیه میهنی می باشد اعلام کرده که لغو این قرار بخاطر ایجاد نگرانی زیاد در میان شهروندان بوده. لازم به ذکر است که دزدی و چپاول احزاب حاکم در اقلیم کردستان طی ۲۴ سال گذشته بارها باعث اعتراضات وسیع مردم شده و تصویب و یا لغو چنین قرار بی نفع خود تنها گوشه کوچکی از زردیهای رسمی احزاب حاکم را نشان می دهد.

مسعود بارزانی بیش از ۸ سال است که داماد خود را از دیدن همسرش محروم کرده!

به گزارشی از روزنامه کوردستان پوست، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان بیش از ۸ سال است که به زور موئیره بارزانی دختر خود را از دیدن همسرش که از اقوام خودشان می باشد محروم کرده است. این گزارش می افزاید که داماد مسعود بارزانی به اسم خالد شیخ ربیع که یک پسر ۸ ساله نیز از دختر بارزانی دارد در اعتراض به این زورگویی و محروم کردنش از دیدن همسر و پسر خود، تا هم اکنون از چندین نهاد بین المللی و از جمله سازمان ملل از مسعود بارزانی شکایت کرده.

دیدار جان مکین سناتور آمریکائی از اربیل

روز ۲۷ دسامبر جان مکین سناتور دست راستی جمهوریخواهان آمریکا از شهر اربیل دیدار کرد. مکین با مسعود بارزانی و تعداد دیگری از روسای حکومت اقلیم دیدار و گفتگو کرد. بر اساس گزارشهای منتشر شده در این دیدار دو طرف بر تحکیم روابط محکمتر آمریکا و اقلیم کردستان تأکید کرده اند و مکین اعلام کرده که "به اقلیم آمده ام تا از نزدیک سخنان بارزانی را در ارتباط با اتفاقات جنگ با داعش را بشنود"، همچنین اعلام کرده که "دولت آمریکا کمک و همکاریهای خود به اقلیم در جنگ با داعش را گسترش خواهد داد." از

همین حزب جمهوریخواه که مکین یکی از روسای آن است با تقویت و روابط حسنه با دولت صدام حسین در دهه هشتاد میلادی را انکار و یا فراموش کنند، اینها ناچارند که بمباران شهر حلبچه و کشتار بیش از ۵ هزار نفر از مردم این شهر و سکوت مطلق دولت آمریکا را فراموش کنند، چرا که طرفین و بویژه آمریکا امروز به مخفی کردن، نقش جنایتکارانه خود در همه کشتارها و جنایات سه دهه گذشته عراق نیاز دارند تا باز بتوانند در انظار عمومی خود را بعنوان ناجیان و پیشقراولان جنگ با داعش نشان دهند.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوند:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۲۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Bhaic, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوانی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سپامک بجاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E- mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!